

پرده بر افتاد

(این نوشتار به وحی الهی است)

نوشتاری که اینک با فرزندان شهریار ولی مینگاریم آخرین نوشتارها و گل سر سبد همه آنهاست. این نه بخاطر اینست که محتوای این نوشتار بر دیگران رجحان داشته باشد بلکه بدین دلیل که شهریار ما را مستقیماً با ظهورش متصل میسازد. مراد از آنچه بعنوان برافتادن پرده از آن یاد میکنیم همانا کنار رفتن پرده ای ست که تا کنون شهریار ما را در سکوت نگهداشته ویرا از هر گونه اظهار وجود باز داشته بود. این پرده گشایی بمعنی اذن ما پروردگار به شهریار ولی برای اعلام حضور و ظهورش میباشد. با این وجود، نیاز به دو پدیده ای که بعنوان پیش درآمد ظهور قلمداد میشوند مرتفع نیست و کماکان در جای خود قرار دارد. شهریار ولی امشب به معراج برده میشود و نوری که در باطنش نهفته نزدیک به ده برابر میگردد بطوریکه کرّوبیان را بی اختیار بدین سو میکشاند. البته نزول کرّوبیان بدینجا وابسته به اذن و مشیت ما خواهد بود. امشب این اذن را به گروه کثیری از بزرگان عالم قدس در رده های گوناگون میبخشیم و از آن گذشته تعداد پنج تن از آنان بدست شهریار ولی به اعتلا میرسند. نام این بزرگواران را در جای دیگر آورده ایم. در اینجا اما تصریح میکنیم که حتی پیامبران معظم نیز برای رسیدن به اعتلای بیشتر نیازمند عشق ورزی به کسی اند که خدای کهنتر و پسرخوانده ما پروردگار عنوان یافت. شما نیز ای خواننده عزیز مبادا خود را در رده شهریار ما دانی که ویرا از سلک نوع بشر قرار ندادیم و آستانش بلندتر از حدی ست که برای انسان قابل ادراک باشد. شهریار از عنصر ما پروردگار بهره دارد و ویرا رونوشتی دانید که در مقام و موضع همطرازی با ما واقع است. کوهها که در قرآن بعنوان تثبیت گران زمین شناسایی شده اند در بطن آیات به پیامبران و امامان قابل تعبیر و تاویلند و در وجود شهریار ما به تکامل میرسند. استعفای شهریار ولی از حرفه ای که در آن چندین سال صرف وقت نموده در راهست و این امر در فردای ظهور به کرسی مینشیند. شهریار ولی در محیط کار دارای درایتی خاص است و پیرمردی که فرزند را استخدام نموده بطرزی مریدگونه ویرا دوست داشته برای رضایت او هر کاری را انجام میدهد. ما پروردگار در زمان مقتضی این پیرمرد یهودی الاصل را با لطف خاص خود

خواهیم نواخت و ویرا در میان افرادی قرار می‌دهیم که سعادت همنشینی
با شهریار ولی در اواخر عمر نصیبشان می‌گردد و چشم پوشی ما از
گناهانشان را مدیون این لحظات سرنوشت سازند. شهریار ولی را دوست
بدارید و همینکه شب را صبح کنید کسی را در میانهٔ عالم خواهید یافت که
عشق حقّ با او معنی گرفت و افشاندن این عشق بر خلائق به اختیار او و
به اذن ما صورت می‌گیرد. عالم اینرا بداند...